

بررسی آسیب شناسی مسائل اجتماعی خانواده

محبوبه جعفر پور

دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد واحد لامرد، گروه علوم تربیتی، لامرد، دبیر آموزش و پرورش نی ریز ایران.

m.jafarpour117@gmail.com

چکیده

مقاله حاضر، براساس پژوهشی با عنوان بررسی آسیب شناسی اجتماعی خانواده تهیه شده است. مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم به ارائه نتایج پرداخته شده است. علی‌رغم آن‌که مشکلات اجتماعی بخش اجتناب‌ناپذیری از مشخصات جوامع امروزی تلقی می‌گردند، در ایران گستره مشکلات اجتماعی چون فقر، بیکاری، تبعیض و نابرابری اجتماعی، اعتیاد، روسپیگری، خشونت و... به سبب عوارض سوءفردی و اجتماعی آن‌ها و نقش منفی بر فرایند توسعه جامعه ایران، نگران‌کننده بوده و ضرورت بررسی‌های علمی و مداخلات جدی مبتنی بر شواهد در سطوح مختلف را فراهم آورده است. همچنین خانواده به عنوان واحد کوچکی از اجتماع در توسعه و رشد اقتصادی جامعه نقشی اساسی ایفا می‌کند. در نتیجه میزان، چگونگی و شیوه مصرف و پس‌انداز او در عملکرد و چرخه‌های اقتصاد کشور تأثیر به‌سزایی دارد. مصرف علاوه بر آن که به عنوان هدف تولید و توزیع مورد توجه قرار می‌گیرد، هرگونه تغییر در آن، می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر دیگر متغیرهای کلان اقتصادی، از جمله پس‌انداز و سرمایه‌گذاری داشته باشد. مؤلفه‌های اصلی مصرف که عبارتند از سطح مصرف، ترکیب کالاهای مصرفی و چگونگی مصرف، در بستر فرهنگ خانواده شکل می‌گیرد.

واژگان کلیدی: آسیب شناسی، رشد، مسائل اجتماعی، خانواده، اقتصاد.

مقدمه

درباره تعاریف و طبقه‌بندی مشکلات اجتماعی در ایران نیز مانند سایر کشورهای جهان توافق قطعی وجود ندارد، به گونه‌ای که در اسناد سازمان‌های دولتی و غیردولتی و مکتوبات صاحب‌نظران، مصادیق مشکل، مسئله، انحراف و آسیب اجتماعی همپوشانی فراوان داشته و طبقه‌بندی برخی از مسائل و مشکلات اجتماعی در هریک از دسته‌بندی‌های فوق را دشوار می‌نماید. صرفنظر از تفاوت دیدگاه‌ها در نام‌گذاری مسائل اجتماعی، فصل مشترک همه این مسائل در آن است که همه آن‌ها پدیده‌هایی نامطلوب بوده و افکار عمومی جامعه و نخبگان را به خود مشغول داشته، به گونه‌ای که نوعی وفاق و آمادگی جمعی برای مهار آن‌ها پدید آمده است (عبدالهی، ۱۳۸۳). بدین ترتیب، فقر، نابرابری، انحرافات فردی، مشکلات نهادهای مختلف جامعه مانند؛ ارتشا و اختلاس و ناکارآمدی نهاد آموزش، مشکلات سلامت روان و... صرفنظر از آن‌که، انحراف، آسیب یا مشکل تلقی شوند، همگی ذیل عنوان مشکلات اجتماعی طبقه‌بندی می‌گردند. تنوع و گستردگی مفاهیم و مصادیق مشکلات اجتماعی هرگونه اقدام به‌منظور کنترل، پیشگیری و یا کاهش آن‌ها را در جهت بهبود سلامت جامعه موکول به اولویت‌بندی آن‌ها می‌کند، زیرا معمولاً منابع اختصاص داده شده به حل مشکلات اجتماعی اعم از منابع مالی، نیروی انسانی و سایر منابع محدودتر از طیف گسترده مشکلات اجتماعی است (طریقی، ۱۳۹۳). علاوه بر آن برخی افراد یا گروه‌های اجتماعی بیش از سایر گروه‌ها و افراد در معرض پیامدها و آثار سوء مشکلات اجتماعی بوده و بدین جهت برنامه‌های کنترل و کاهش مشکلات اجتماعی می‌بایست جمعیت‌های در معرض مشکلات اجتماعی را در اولویت پوشش خود قرار دهد. نکته قابل تأمل در خصوص مشکلات اجتماعی و اولویت‌بندی آن‌ها، آن است که علاوه بر شاخص‌های ملموس و تعیین‌کننده میزان اهمیت یا اولویت هر مشکل، مانند گستره یا فراوانی آن، ابعاد ذهنی آن پدیده مانند شدت مغایرت با ارزش‌های فردی و اجتماعی نیز بر تلقی هر مسئله به عنوان یک مشکل یا در اولویت دانستن آن نقشی در خور، ایفا می‌نماید.

واژه خانواده

"خانواده" گروه کوچکی است که حد فاصل بین فرد و جامعه قرار گرفته است (ساروخانی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶). خانواده در آموزه های اسلامی نیز به عنوان یک واحد اجتماعی در نظر گرفته شده و مسؤولیت افراد در قبال خانواده در جنبه‌های اقتصادی و تربیتی در قرآن و روایات معصومین (از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که در سوره مبارکه فرقان، قرآن آن جایی که به توصیف و تمجید عباد الرحمن می‌پردازد؛ یکی از ویژگی‌های ممتاز آنان را توجه به اعضای خانواده و تقاضای داشتن بهترین افراد خانواده و دعای در حق آنان بیان می‌کند (وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ (فرقان/۷۴) نکته مشترکی که هنوز در اکثر تعاریف مربوط به خانواده در نظر گرفته می‌شود این است که خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که ثبات جامعه وابسته به ثبات و استحکام آن است و ارتباطات سالم و مناسب در جامعه براساس مناسبات متعادل و متوازن در خانواده به وجود می‌آید.

تأثیرپذیری تمامی بخش‌ها از خانواده

از آنجا که خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماع، محل اصلی زندگی، مصرف، تربیت و سایر آموزش‌های انسان بوده و رفتار تمامی کارکنان و شاغلین متأثر از فرهنگ خانواده آنهاست (وٹوقی و نیک خلق، ۱۳۷۱، ص ۱۷۳)، اگر خانواده‌ها از جنبه فرهنگ و الگوهای رفتاری و طرز نگرش به امور اقتصادی پیشرفت کنند، می‌توان گفت فرهنگ کار و تولید، مصرف و پس‌انداز در کشور پیشرفت کرده است. خانواده نیز با برخورداری از دو عامل مهم تولید، یعنی «سرمایه» و «نیروی انسانی»، یک واحد اقتصادی است. از این رو، خانواده بنگاه اقتصادی کوچکی تلقی شده که نیاز به مدیریت منابع دارد. از منظر دینی، صرفه جویی، قناعت و پرهیز از تجمل‌گرایی و چشم و هم چشمی لازمه اجرای مدیریت صحیح اقتصادی خانواده‌ها و تضمین کننده موفقیت آنان در بعد اقتصادی است.

توجه به مشکلات اجتماعی

توجه جدی به مشکلات اجتماعی در ایران با توجه به روند رو به رشد تعدادی از مشکلات براساس پژوهش‌های موجود (قهاری، ۱۳۸۳) و افزایش شیوع مشکلات اجتماعی در گروه‌های سنی پایین‌تر (نارنجی‌ها، ۱۳۸۴) ضروری بوده و با توجه به تنوع مشکلات اجتماعی و محدودیت منابع انسانی و مالی لازم است تا نخست به اولویت‌های این مشکلات برای برنامه‌ریزی و مداخله دست یافت. در بسیاری از کشورهای جهان وضعیت مشکلات اجتماعی براساس شاخص‌های معین و داده‌های موجود، سالیانه و تحت عناوینی مانند گزارش وضعیت اجتماعی انتشار می‌یابد (تقی شریعتی، ۱۳۸۱). چنین گزارش‌هایی به سیاست‌گزاران، تصمیم‌گیران و مجریان برنامه‌های اجتماعی در کشورها کمک می‌کند تا به شناخت دقیق‌تری از وضعیت موجود و روند مسائل و مشکلات اجتماعی در کشور خود رسیده و ضمن اولویت‌بندی در خدمات و برنامه‌ها نتایج برنامه‌ها و مداخلات را ارزیابی نمایند. در نبود چنین گزارش‌ها و اطلاعات و آمار دقیق از وضعیت مشکلات اجتماعی در کشور با توجه به تجارب مشابه در ایران و جهان (Susic, etal, ۲۰۱۶)، عبدالهی، (۱۳۸۱) می‌توان از روش‌های دیگری که به شیوه‌های علمی و براساس اجماع گروه‌های مختلف مرتبط با مشکلات اجتماعی، به اولویت‌بندی در این مورد دست یافت. به‌طور معمول مشکلات اجتماعی را وضعیت‌های اجتماعی تعریف می‌کنند که برای جامعه آسیب‌زننده‌اند (جاویدی کلاته آبادی، ۱۳۷۳). اما درک موضوع براساس تعریف یاد شده چندان که در ابتدا به‌نظر می‌رسد آسان نیست، چراکه مفهوم آسیب‌زا بودن وضوح و روشنی کافی ندارد، به‌علاوه از آن‌جا که مسائل اجتماعی بسیار متنوع بوده و مشکلاتی چون فقر، بیکاری، اعتیاد، طلاق، خشونت، کودک آزاری و... را دربر می‌گیرند توافق نمودن بر سر مصادیق مشکلات اجتماعی، دشوار می‌نماید. از سوی دیگر هنگامی که از مشکلات، آسیب‌ها یا انحرافات اجتماعی نام برده می‌شود با مجموعه‌ای از سختی‌ها و آلام انسانی روبه‌رو می‌شویم که تمایز بین جنبه‌های فردی و اجتماعی آن‌ها بسیار دشوار می‌باشد (ساعتچی، ۱۳۸۶). در توضیح تفاوت میان این دو، میلز مشکل فردی را مسئله‌ای می‌داند که در درون فرد و روابط بلافصل او با دیگران پیدا شود و فرد شخصاً و به صورت مستقیم درگیر آن باشد. اما مشکل اجتماعی نه تنها بر جمعیت زیادی اثر منفی می‌گذارد بلکه در نهادهای اجتماعی ریشه دارد. به بیان دیگر مشکل اجتماعی علل یا عواقبی فراتر از فرد و محیط بلافصل او دارد. به عبارتی هنگامی که در جامعه‌ای مشکلات فردی، جمعیت قابل توجهی را درگیر می‌سازند آن‌گاه آن‌ها را به‌عنوان مشکل اجتماعی نیز می‌توان تلقی نمود (رفیعی، ۱۳۸۰: ۸ - ۱۰) چالش دیگر در این بحث «نسبی» بودن مفهوم مشکل اجتماعی در ارتباط با اشخاص، زمان و مکان و فرهنگ جوامع است. بدین معنی که مشکلات اجتماعی ماهیتاً دارای دو بعد عینی و ذهنی هستند (آمالی، ۱۳۷۴، ترجمه قاسم زاده و عظیمی). یعنی از طرفی مشکلات اجتماعی اموری عینی و قابل مشاهده‌اند و از سوی دیگر از قضاوت افراد در خصوص پدیده‌های اجتماعی منشأ می‌گیرند و به نگرش و ذهنیت افراد مرتبطند. به‌عنوان مثال فقر، خشونت خانگی و رشوه‌خواری همگی دارای ابعاد عینی بوده، از تعامل میان افراد، گروه‌ها و دیگر عناصر اجتماعی ایجاد می‌شوند و سبب رنج مادی یا روانی بخش قابل توجهی از جامعه می‌گردند. اما از سوی دیگر به لحاظ تنوع در ذهنیت افراد، زمینه‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن‌ها طرز تلقی افراد از «مشکل» تلقی شدن این مسائل با یکدیگر متفاوت است. هر فرد یا گروه، پدیده‌ای را مشکل اجتماعی ارزیابی می‌کند که برای «خود» مضر می‌داند. حال آن‌که همان پدیده، می‌تواند برای گروهی دیگر مفید تلقی شود (همان). از سویی هنگامی که برای تعیین مصادیق مشکلات اجتماعی به افکار عمومی رجوع شود این قضاوت می‌تواند تابع تلقی‌های ارزشی «سازندگان افکار عمومی» گردد که به‌گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم و با استفاده از قدرت و ثروت خود، دیدگاهی را در لایه‌های جامعه بسط می‌دهند. به همین دلیل خطر صحه گذاشتن بر نابرابری‌ها یا سایر مشکلاتی که خود معلول نظام غیرعادلانه بوده همواره وجود دارد (رایبگتن، ۱۳۸۲: ۱۳). آن‌چه در خصوص مشکلات اجتماعی کمتر جای مباحثه داشته و مورد تأیید است پذیرش مشکلات اجتماعی به‌عنوان وضعیت‌هایی است که با ارزش‌ها و هنجارهای تعداد قابل توجهی از افراد هر جامعه در تعارض هستند و علاوه بر مشکل‌زایی مردم خواستار اصلاح آن‌ها بوده یا خود برای اصلاحشان تلاش می‌کنند (مدنی، ۱۳۷۹).

نظریات مشکلات اجتماعی

اول. نظریه‌های زیست‌شناختی

نظریه‌های زیست‌شناختی در پی پیشرفت علم و گرایش به تبیین اعمال و رفتار انسان به طرق علمی و اثباتی ظهور یافتند. این نوع نظریات که دارای سنت فکری کلاسیک مبتنی بر اراده‌گرایی و قرارداد اجتماعی بود، فرد را به‌عنوان عامل مهم کج‌رفتاری و انحرافات قلمداد می‌کردند و نارسایی‌های زیستی و فیزیکی ناشی از وراثت و عوامل ژنتیک را به‌عنوان متغیرهای اصلی در تبیین‌هایشان مدنظر قرار می‌دادند. آن‌ها با مطالعه مجرمان، وجود ویژگی‌های زیستی مشترکی را در آن‌ها تشخیص داده، براساس مشاهدات خود نظریات زیست‌شناختی را بیان نمودند. از جمله مهم‌ترین این گروه نظرات می‌توان به نظریات صفات نهفته از جمله نظرات لمبروزو (ممتاز: ۱۳۸۱: ۳۷) (پیناتل، ۱۳۴۵: ۲۶؛ Siegel, ۲۰۰۱: ۷؛ ستوده، ۱۳۸۴: ۹۲، وایت و هنیز، ۱۳۸۲: ۱۱۳) شلدون (سلیمی، ۱۳۸۰: ۳۸۸، گسن، ۱۳۷۴: ۱۶۰، دانش، ۱۳۶۶: ۷۹، کی‌نیا، ۱۳۷۰: ۵۱۷) نظریات صفات ارثی (دانش، ۱۳۶۶: ۵۰ - ۵۱) نظریه کروموزوم (ممتاز: ۱۳۸۱: ۴۲؛ وایت و هنیز، ۱۳۸۳: ۱۱۴ - ۱۱۵) اشاره کرد.

دوم. نظریه‌های روان‌شناختی

نظریه‌های روان‌شناختی در پی تحلیل علل و عوامل انحراف و رفتارهای مجرمانه براساس متغیرهای روانی و شخصیتی افراد هستند. این نوع نظریات بر این فرض مبتنی‌اند که نارسایی‌های روانی یا عیوب و مشکلات شخصیتی عامل ارتکاب افراد به جرمند. این دسته تبیین‌ها نیز مانند تبیین‌های زیست‌شناختی قصد دارند تا به شیوه‌ای اثباتی و علمی به کشف علل و عوامل انحراف در افراد بپردازند. آن‌ها در توضیح علل کجروی به نقش جامعه و ساختارهای اجتماعی توجهی ندارند بلکه انسان‌ها را در سطح خرد و نوع نگاه، تفکر و ادراک آن‌ها نسبت به رفتارهای خود مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهند. از جمله این نظریات می‌توان به نظریه‌های روان‌تحلیلی (ستوده و دیگران، ۱۳۸۱: ۷۸؛ طریقی، ۱۳۵۳: ۵۵؛ آریان پور، ۱۳۵۷: ۱۲۷) نظریه‌های یادگیری اجتماعی باندورا (باندورا، ۱۳۷۲؛ سلیمی، داوری: ۱۳۸۰: ۵۲۱ - ۵۲۸) آیزنک (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۵۰۶؛ ممتاز، ۱۳۸۱: ۴۳ - ۴۴؛ ممتاز، ۱۳۸۱: ۴۶؛ Taylor, Walton, Young ۱۹۷۳: ۶۳؛ ساترلند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۹۱؛ Wrightman, L.S. et al ۱۹۹۸: ۱۲۰) و Tard (کی‌نیا، ۱۳۴۶: ۱۲۷۳) اشاره کرد.

سوم. نظریه‌های جامعه‌شناختی

این دسته از رویکردهای نظری، به نقش جامعه و شرایط اجتماعی - فرهنگی در شکل‌گیری رفتارهای انحرافی توجه می‌نمایند. تأکید این نظریات بر چگونگی شکل‌گیری این نوع کژرفتاری‌ها در وضعیت‌های متفاوت اجتماعی و شیوه‌ها و مکانیسم‌هایی است که جامعه به‌واسطه آن‌ها افراد را به سمت استفاده از رفتارهای کج‌روانه و بزهکارانه در رسیدن به خواسته‌های خود سوق می‌دهد. آگوست کنت از بنیانگذاران جامعه‌شناسی به تأثیر عوامل اجتماعی در ارتکاب جرم توجه داشت و تفکرات او منجر به پایه‌گذاری سبک‌های مختلفی گردیده است که با عناوین متفاوت، بزهکاری را یک پدیده اجتماعی دانسته و تأثیر اجتماع را در ارتکاب جرم تأیید کرده‌اند (دانش، ۱۳۶۶: ۲۳۰). این نظریه‌ها را براساس جنبه‌های خاصی از شرایط اجتماعی که هر یک بر آن تأکید دارند می‌توان در چهار دسته کلی نظریه‌های کارکردگرا (ستوده، ۱۳۸۴: ۱۳۴؛ ممتاز، ۱۳۸۱: ۷۳) از جمله نظریات دورکیم (ممتاز، ۱۳۸۱: ۵۲) (رایبینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۳: ۱۰۰) مرتن (کوئن، ۱۳۷۲: ۲۲۰) (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۴۰) (فرهت‌نیا، ۱۳۵۵: ۲۴) (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۱۴۸) (Merton: ۱۹۶۴: ۲۲۰) (Downes and Rock ۱۹۹۸: ۱۲۴) و نظریه بوم‌شناسی بزه (مکتب شیکاگو) (ممتاز، ۱۳۸۱: ۸۵؛ ستوده، ۱۳۸۴: ۱۵۴؛ محسنی تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۷ - ۱۸) نظریه‌های تضادگرا (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۹۱؛ شیخوندی، ۱۳۵۱: ۸۲) (سلیمی و داوری: ۱۳۸۰: ۴۶۴؛ ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۳۰؛ مولانیا و دیگران، ۱۳۸۰: ۸۸۹)، نظریه‌های تعامل‌گرا (مولانیا و دیگران، ۱۳۸۰: ۸۹؛ Shalady Smith ۱۹۷۸: ۸۴) (سلیمی و داوری، ۱۳۸۱: ۵۴۲؛ ستوده، ۱۳۸۴: ۱۵۰) (ممتاز، ۱۳۸۱: ۳۸۱) و نظریه‌های خرده‌فرهنگی (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۴۴۱؛ ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۰۱؛ ۱۴۹ - ۱۵۰؛ Downes ۱۹۹۸: ۱۵۰)

Rock and Bynum, 1996, Thompson & Bynum, 1996, Cohen, 1971, 73-49؛ وایت و هینز، ۱۳۸۳: ۱۶۱؛ سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۴۴۴؛ آبوت و والاس، ۱۳۸۳: ۲۲۲؛ احمدی، ۱۳۷۷: ۸۴) طبقه‌بندی کرد.

آسیب‌های اساسی محرومیت از نیازهای اجتماعی

در تعریف زندگی راحت بیش از ۶۰ درصد از زنان سرپرست خانوار، محرومیت از نیازهای اجتماعی را علت نداشتن یک زندگی راحت و آرامش‌بخش می‌دانستند. آن‌ها به دلیل دشواری اداره اقتصادی زندگی خود و خانواده و مسائل فرهنگی نظیر نگاه منفی جامعه به آن‌ها، دچار نوعی انزوای اجتماعی شده و ارتباطشان با اطرافیان محدود شده بود بنابراین هیچ اعتمادی به افراد جامعه نداشتند. در نتیجه بسیاری از این زنان «زندگی راحت» را بعد از تأمین اقتصادی، شغل، مهارت و تحصیلات، در داشتن ارتباط خوب با خویشاوندان و همسایگان... می‌دیدند و از اینکه هیچ اعتبار و نفوذی در میان آن‌ها ندارند ابراز ناراحتی می‌کردند. در مجموع گفتگو با این گروه از زنان مشخص کرد که مجموعه عواملی جدایی آن‌ها را از دیگران تقویت می‌کند. فقر اقتصادی که امکان تفریح و معاشرت با دیگران را محدود می‌سازد، نفرت از احساس ترحم و نگرش منفی اطرافیان، سرزنش‌ها و طعنه‌های دیگران (خویشاوندان درجه یک) که سبب دوری و انزوا از دیگران می‌شود (شکاری آلانق، ۱۳۸۴). «احساس تحقیر شدن می‌کنم، جوری شدم که دیگه به کسی اعتماد ندارم. چرا باید بد نگاهم کنند، مگر فرق من با زن‌های دیگر چیه، چون که بدبختم، باید کسی به خانم نیاد؟ حتی اگر از لحاظ مالی هم تکمیل بشم؛ چون دیگران حس خوبی نسبت به من و بچه‌هام ندارند، احساس یک زندگی راحت نمی‌کنم» (صدرالساداتی، ۱۳۹۱).

پیش‌بینی از آینده نامناسب و استرس

در نهایت از آنجا که علی‌رغم تلاش بسیار برای پیشرفت، تحرک و موفقیت فرزندان، نتیجه‌ای حاصل نمی‌گشت، برنگرانی و اضطراب آن‌ها افزوده می‌شد. آینده فرزندان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های زندگی این گروه از زنان بود به گونه‌ای که بیشترین پاسخ به سوال احساس شادمانی را دریافت می‌کرد. تأمین و تضمین زندگی تحصیلی، شغلی، ازدواج، آینده فرزندان و به طور کلی اطمینان از خوش بختی آن‌ها، همه ارکان فعالیت و تلاش فعلی آن‌ها را تشکیل می‌داد و به نظر می‌رسید که بازیابی شادی، عزت نفس و سلامت روان مختل شده و خود شکست خورده آن‌ها تنها در گرو رسیدن به این مهم تعریف می‌شود. اما در عین حال درک خود اثر بخشی، پویایی و مؤثر بودن نیز که به حس استقلال آن‌ها دامن می‌زند بر عزت و اعتماد به نفسشان می‌افزاید و از رنج کنونی می‌کاهد (محمدی، ۱۳۸۵). برآیند کلیه موارد مذکور چیزی بیش از صورت‌بندی وضعیتی تنش‌زا برای زندگی این زنان فراهم نمی‌آورد. نفس شکل‌گیری این صورت‌بندی در چنین بستر و زمینه‌ای ناچاراً به تضعیف احساس شادی می‌انجامد. از آنجا که این گروه دائماً تحت تأثیر ارزیابی از تجارب منفی زندگی خود قرار گرفته و با آن به تفکر و کنش خود در برابر امور زندگی و کمیت و کیفیت روابط اجتماعی واکنش نشان می‌دهند، بر احساس ناشادی در زندگی خود می‌افزایند. این فرض بر خواسته از مطالعه حاضر با نظریه تجربیات مؤثر (دینر و همکاران، ۱۹۹۱) همخوانی دارد که احساس شادی را با ارزیابی از کل زندگی و فراوانی برجسته‌ترین تجربیات تأثیرگذار در آن مرتبط می‌داند. غلبه روحيات منفی و داوری نامناسب از امور و جریانات زندگی علامت و نشانه‌ای از چیرگی تجربیات ناخوشایند بر خوشایند در پهنه زندگی است. در واقع در کنار محرومیت از نیازهای اساسی، به دلیل فشار و هجوم باورهای فرهنگی و کلیشه‌های جنسیتی، جمعیت هدف این پژوهش همواره در نامناسب‌ترین شرایط از لحاظ پذیرش اجتماعی قرار داشته و دارند. این مسئله با استراتژی احساس نابرابری، مانع اصلی در شکل‌گیری ارتباطات مؤثر و مشارکت مناسب با دیگران و در جامعه می‌باشد. از طرف دیگر وقایع و تجربیات تلخ گذشته و تأثیر ذهنی و اجتماعی به جای مانده از آن، چاره‌ای جز در پیش‌گیری انزوا و افسردگی برای مقابله باقی نمی‌گذارد. این وضعیت، روح و روان و روابط اجتماعی میزبان را نشانه گرفته است. این زنان همواره خود را از توجه و همدلی اطرافیان محروم ساخته و احساس تعلق و وابستگی به جامعه را از دست می‌دهند. همان‌گونه که

هابکرافت^۱ در تحقیق خود نشان داده است کودکانی که طرد و محرومیت را در دوران طفولیت و کودکی تجربه می‌کنند به احتمال زیاد، در آینده نیز با جنبه‌های مختلف محرومیت روبه‌رو خواهند بود (هابکرافت، ۲۰۰۷).

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می‌شود که مشکلات اجتماعی اموری ثابت نیستند بلکه دائماً در حال تحول‌اند. آنچه در یک زمان مشکل اجتماعی تلقی می‌شود، ممکن است در زمان دیگر مشکل اجتماعی نباشد. به عبارتی مشکل اجتماعی متغیری وابسته به هنجارها و ارزش‌های زمانه خود است که با تغییر این هنجارها در طول زمان تغییر می‌یابد. افزایش جمعیت، آلودگی هوا، ترافیک شهری و آلودگی به ویروس نقص ایمنی اکتسابی (HIV)، همگی مشکلاتی هستند که در دو یا سه دهه اخیر در کشور ما بروز و ظهور یافته‌اند و پیش از آن هیچ‌یک از سوی جامعه به‌عنوان مشکل اجتماعی تلقی نمی‌شده‌اند. از طرفی خانواده اولین پایگاه تربیت و پرورش منابع انسانی است و از آنجا که فرهنگ مصرفی در خانوارهای کشور ما با اسراف و تبذیر همراه است، اصلاح الگوی مصرف خانوار به دلیل فاصله آن با الگوی مصرف مطلوب اقتصاد مقاومتی و ناهمگونی آن با الزام‌های الگوی مصرف مورد نظر جامعه اسلامی، ضرورتی گریز ناپذیر است.

منابع و مأخذ^۲

الف (منابع فارسی

۱. ابریشمی، حمید (۱۳۷۵)، اقتصاد ایران، بی‌جا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
۲. آبوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۰) **جامعه‌شناسی زنان**، ترجمه منیژه نجم‌عراقی، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
۳. احمدی، حبیب (۱۳۷۷) **نظریه‌های انحرافات اجتماعی**، شیراز: انتشارات زر، چاپ اول.
۴. اقلیما، مصطفی و اعظم ابراهیم نجف‌آبادی (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر میزان سرمایه فرهنگی بر میزان شادی زنان جوان (۱۵-۲۴ ساله) در شهر اصفهان»، *جامعه پژوهی فرهنگی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول: صص ۱-۲۴
۵. آمابلی، ترزا (۱۳۷۴). *شکوفایی خلاقیت کودکان*. ترجمه حسن قاسم زاده و پروین عظیمی. تهران: دنیای نو
۶. امیراحمدی، رحمت‌الله (۱۳۸۴) **شناسایی و اولویت‌بندی آسیب‌های اجتماعی شایع در مناطق روستایی**، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۷. باندورا، آلبرت (۱۳۷۲) **نظریه یادگیری اجتماعی**، ترجمه فرهاد ماهر، تهران: نشر راهگشا.
۸. پورنجان، فرزانه و مریم فاتحی‌زاده و محمدرضا عابدی (۱۳۹۲). «اثر بخشی نظریه شادکامی اسلامی» بررسی شادی زنان متأهل شهر اصفهان، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان*، سال اول، شماره ۱: صص ۱-۱۶
۹. پیناتل، ژان (۱۳۴۵) **جرم‌شناسی**، ترجمه رضا علوی، تهران: انتشارات امیرکبیر
۱۰. تفضلی، فریدون (۱۳۶۸)، *اقتصاد کلان نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، تهران، نشر نی، سوم.
۱۱. تقی‌شریعتی، ناصر (۱۳۸۱) **بررسی مقدماتی شاخص ترکیبی سلامت اجتماعی**، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۱۲. جامی، علیرضا؛ ایمانی مقدم، حمید رضا و تنها، مجتبی (۱۳۹۱)، *راهبردهای افق روشن با رویکردی بر اقتصاد مقاومتی*، مشهد، سخن گستر.
۱۳. جاویدی کلاته آبادی، طاهره (۱۳۷۳). *بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با خلاقیت کودکان*، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس

^۱ Hob craft

^۲ Basis

۱۴. جمیلی، فاطمه و مهناز رنجبر (۱۳۹۰). «بررسی جامعه‌شناختی شادمانی با تأکید بر رویکرد نظری بازکاوی». مطالعات راهبردی زنان، سال چهاردهم، شماره ۵۶: صص ۲۱۲-۲۴۵
۱۵. حاجلی، علی (۱۳۷۶). بررسی تطبیقی دیدگاه رهبر و رئیس‌جمهور پیرامون مسائل اجتماعی ایران و مقایسه آن با نظرات مردم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
۱۶. خورشیدی، رضا (۱۳۹۳). «نظریه‌ی نشاط اجتماعی: درآمدی به راههای ارتقاء نشاط اجتماعی»، رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره ۱۶، شماره ۳: صص ۵-۷
۱۷. خوش چهره، محمد (۱۳۹۱)، قم، پرهیزکار
۱۸. دانش، تاج‌زمان (۱۳۶۶) **مجرم کیست؟ جرم چیست؟**، تهران: انتشارات کیهان.
۱۹. دروگر، خدیجه (۱۳۹۳)، «چالش‌های سبک زندگی در خانواده ناشی از ناآشنایی با حقایق اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۱۰۰.
۲۰. دغاقله، عقیل و سمیرا کلهر (۱۳۸۹). آسیب‌های شهری در تهران: وندالیسم، دختران فراری، زنان سرپرست خانوار و تکدی‌گری، زیر نظر اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری، چاپ اول، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
۲۱. رابرتسون، یان (۱۳۷۲) **درآمدی بر جامعه**، ترجمه حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۲. رابیگنتن، ارل و واینبرگ، مارتین (۱۳۸۳) **رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی**، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۳. رفیعی، حسن (۱۳۸۰) **مشکل اجتماعی: دستور کار نظام رفاه اجتماعی**، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۰، صص ۳۳-۳۵.
۲۴. ریف‌کین، جرمی و هوارد (۱۳۷۴)، جهان در سراسیمه‌ی سقوط، ترجمه محمود بهزاد، تهران، سروش.
۲۵. زاکس، ولفگانگ (۱۳۷۷)، نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران، مرکز نشر.
۲۶. ساروخانی، باقر (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، سروش
۲۷. ساعتچی، محمود (۱۳۸۶). روانشناس کاربردی برای مدیران، تهران: انتشارات ویرایش،
۲۸. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۴) **آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)**، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ سیزدهم.
۲۹. ستوده، هدایت‌الله، میرزایی، بهشته، ازند، افسانه (۱۳۸۱) **روان‌شناسی جنایی**. تهران: انتشارات آوای نور چاپ سوم.
۳۰. سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۰) **جامعه‌شناسی کجروی**. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۳۱. شعبان‌زاده، افسانه؛ مهدی بهرام‌آبادی؛ حمیدرضا حاتمی و کیانوش زهراکار (۱۳۹۲). «بررسی رابطه میان سبک مقابله با استرس و حمایت اجتماعی و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار شهر تهران»، فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی زن و جامعه، سال چهارم، شماره ۴: صص ۲-۲۰.
۳۲. شکاری‌آلنق، رقیه (۱۳۸۴)، مطالعه وضعیت رفاهی زنان سرپرست خانوار، کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۳۳. صادقی‌شاهدانی، مهدی (۱۳۹۱)، قم، پرهیزکار
۳۴. صدرالساداتی، بهاره (۱۳۹۱). «بررسی راهکارهای ارتقای سلامت اجتماعی زنان سرپرست خانوار»، واحد پذیرش کمیته امداد امام خمینی(ره)، شهرستان پیران شهر
۳۵. طریقی، شکرالله (۱۳۹۳) **روان‌شناسی و روان‌پزشکی کیفری**، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران، چاپ دوم.
۳۶. عبداللهی، محمد (۱۳۸۳) «طرح مسئله اجتماعی در ایران: اهداف و ضرورت‌ها»، در **مسائل اجتماعی ایران**، تهران: نشر آگه.

۳۷. عبدالمهدی، محمد (۱۳۸۱) یادمان رابرت کینگ مرتن، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره چهارم. ش ۲، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۳۸. قحف، منذر (۱۳۸۴)، «توسعه پایدار در کشورهای اسلامی»، ترجمه سعید و محمد علی فراهانی فرد، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۱۷.
۳۹. قهاری، حسین (۱۳۸۳) **بررسی روند آسیب‌های اجتماعی در ایران**، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۴۰. کوئن، بروس (۱۳۷۲) **مبانی جامعه‌شناسی**، ترجمه و اقتباس غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
۴۱. کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۰) **مبانی جرم‌شناسی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، جلد اول.
۴۲. گسن، ریمون (۱۳۷۴) **جرم‌شناسی نظری**، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: مجتمع علمی و فرهنگی مسجد، چاپ اول.
۴۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
۴۴. مارشال، آلفرد (۱۳۴۰)، اصول علم اقتصاد، ترجمه حسین مؤتمن، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴۵. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۳) **جامعه‌شناسی انحرافات**، جزوه درسی آسیب‌شناسی اجتماعی دوره کارشناسی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۴۶. محمدی، زهرا (۱۳۸۵). «پیشینه نظری و تجربی زنان سرپرست خانوار»، کتاب زنان، شماره ۳۴.
۴۷. محمدی، زهرا (۱۳۸۵). زنان سرپرست خانوار، چاپ اول، انتشارات روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
۴۸. محمودزاده، رضا (۱۳۸۴) سازمان‌های پولی و مالی، مشهد، انتشارات کنکاش دانش.
۴۹. مدنی، سعید (۱۳۷۹) **آسیب‌ها، انحرافات اجتماعی و فقر در ایران**: فقر در ایران (مجموعه مقالات) تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۵۰. معتمدی، هادی (۱۳۸۶) «ولایت‌بندی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در ایران»، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال ششم، شماره ۲۴.
۵۱. ممتاز، فریده (۱۳۸۱) **انحرافات اجتماعی**: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵۲. موسوی، سید علی (۱۳۹۲)، قم، پرهیزکار
۵۳. موسوی، محسن (۱۳۹۲). «شادمانی: رویکردهای نظری و یافته‌های تجربی»، چاپ اول، انتشارات تپسا.
۵۴. مولانیا، عزت‌الله و دیگران (۱۳۸۰) **بزهکاری زنان، آسیب‌شناسی، سبب‌شناسی و درمان**، در مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۵۵. میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۷)، اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۶. میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۸) اصلاح الگوی مصرف، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۷. نارنجی‌ها، هومن، و دیگران (۱۳۸۴) ارزیابی سریع وضعیت سوی مصرف و وابستگی به مواد در ایران (نیمه دوم سال ۱۳۸۳)، مؤسسه داریوش، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۵۸. نازک تبار، حسین و رضا ویسی (۱۳۸۷). «وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار استان مازندران»، فصل نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۷
۵۹. وایت، راب و هینز، فیونا (۱۳۸۳) **جرم و جرم‌شناسی**، ترجمه علی سلیمی و دیگران، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۶۰. وثوقی، منصوره و نیک خلق، علی اکبر (۱۳۷۱)، مبانی جامعه‌شناسی، بی‌جا، انتشارات خردمند چاپ پنجم.
۶۱. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱) **سنجش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان**، دفتر طرح‌های ملی.

(ب) منابع لاتین

62. Adler M and Ziglio E, (1996) **Gazing into the Oracle: The Delphi Method and Its Application to Social Policy and Public Health**, London: Jessica Kingsley. Publishers.
63. Bynum Jack and Thampson, W. E. (1996) **Jvenile Delinquency**: Boston: Allyn/bacon.
64. Cohen, A (1971) **Delinquent Boys: The culture of the gang**, New York: Free Press.
65. Cooper, C., Bebbington, P., Livingston, G. (2011) , Cognitive impairment and happiness in old people in low and middle income countries: results from the 10/66 study. *Journal of affective disorders*,130 -198.
66. Diener, E, Pavot, W. sandwick, E,(1991) Happiness is the Frequency, not Intensity, of Pasitive versus Negtive Affect in: Strack, F. et al. (Eds) “ Subjective Well-Being” , Porgamon, 1991, Oxford, UK
67. Downs & Rock, Paul (1998) **Understanding Deviance**, Oxford University Press.
68. Gatewood, R.D. and Gatewood, E.I. (1983) "The use of expert data in human resource planning: guideline from strategic forecasting". **Human Resource Planning**, 5(1).
69. Hob craft .J. (2007).” Child development , the life course , and social exclusion : Are the frameworks used in the UK relevant for developing countries Department of Social Policy and Social Work”, University of York, Heslington, York,YO10 5DD, UK pp.1-143
70. L.Hernández., R, E.Aranda., B, G.Ramírez., M.T (2009). Depression and Quality of Life for Women in Single-parent and Nuclear Families, *The Spanish Journal of Psychology*, 12(1): 171- 183
71. Linstone, H.A. and Turoff, M., (1975) (digital version: 2002), "Introduction", In H. A. Linstone, M. Turoff (Eds), **The Delphi Method: Techniques and Applications**, Addison-Wesley.
72. Merton, R, K (1938) "Social Structure and anomic", In Pontel, H. N (1999) *Social Deviance, Reading in Theory and research*, Prentice Hall, pp. 37-46.
73. Shaklady Smith, L (1978) "Sexist Assumptions and female delinquency", in: C. Smart and B. Smart (eds) **Women sexuality and social control**. London: Routledge & Kegan Paul.
74. Taylor Ian, Walton Pauland Young Jock (1973) **The New Criminology: For A Social Theory Of Deviance**, London: Routledge & Kegan Paul.
75. Wrightsman, L.S.M.et al, (۲۰۱۶) **Psychology and the legal system** (4 th ed), Broks/cole Publishing Company